

ظهور مجدد طالبان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی ساوه درودی*

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

چکیده

قدرت‌یابی مجدد و سریع طالبان منجر به ارائه دیدگاه‌های متفاوتی در محافل سیاسی-امنیتی جهان شده است. اندیشه قومیتی و ایدئولوژیکی این گروه و عملکرد قبلی آن در دهه ۱۹۹۰ منجر به این شد که برخی اندیشمندان داخلی ظهور مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ را فرصت و برخی دیگر آن را تهدید برای ایران قلمداد نمایند. هدف این مقاله احصاء تهدیدات و فرصت‌های قدرت‌یابی مجدد طالبان بر امنیت ملی ج.ا.ا. است. پژوهش حاضر براساس راهبرد آمیخته و به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزارهای فیش‌برداری، مصاحبه و پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام پذیرفت. جامعه آماری شامل ۱۳۰ نفر از صاحب‌نظران علوم سیاسی و امنیت ملی دانشگاه‌های شهر تهران بوده و نمونه آماری، ۹۷ نفر است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و مبانی نظری، منجر به شناسایی ۳۶ شاخص ناشی از ظهور مجدد طالبان شده است. پس از تعیین روایی، پرسش‌نامه به ۲۲ شاخص تقلیل یافت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. پس از تحلیل داده‌های با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس فریدمن، یافته‌ها بیانگر آن است قدرت‌یابی مجدد طالبان به دلیل تاثیرگذاری تصاعدی بر اندیشه قومیتی و ایدئولوژیکی در مناطق شرقی کشور، امنیت ملی نظام ج.ا.ا. را با افزایش ناامنی و چالش جدی مواجه خواهد کرد. در انتها نیز از محدود شدن احتمالی فعالیت‌های گروه‌های سلفی-تکفیری در پاکستان، گروه تروریستی داعش و زیرمجموعه آن از جمله دولت اسلامی خراسان (داخل)، به‌عنوان مهم‌ترین فرصت‌های امنیتی ج.ا.ا. نام برده شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران؛ امنیت ملی؛ تهدید؛ طالبان؛ فرصت.

مقدمه

سازه‌های امنیت‌ساز برای هر کشوری به‌عنوان اولویت‌های اساسی برای بقای آن کشور تلقی شده و تلاش حکومت‌ها بر آن است تا این سازه‌ها را به‌نحو مناسبی ایجاد، مدیریت و حفظ نمایند. اشکالی که در این نگاه وجود دارد، تمرکز بر داخل و غفلت از خارج است. سازه امنیتی برای بقای خود باید نگاهی فراسازمانی و فراجناحی و حتی فراملی داشته باشد چرا که بسیاری از تهدیدهای امنیتی ریشه خارجی داشته و تحت‌تأثیر محیط پیرامونی به‌منصه ظهور خواهد رسید. بارزترین این مصداق مربوط به جریان سلفی - تکفیری در دوران معاصر است که حداقل در طول دو دهه گذشته تأثیر قابل توجهی بر امنیت ملی منطقه و به‌ویژه ایران داشته است.

اگر چه ریشه و ساخت اندیشه سلفی در جامعه اسلامی در آغاز با ارجاع مصلحانه به دوران سلف آغاز شد؛ اما این رویکرد با قرائتی جدید در منظومه گفتاری برخی از متفکرین جاهل در جامعه اسلامی و با استفاده از جهالت و بی‌بصیرتی برخی از مسلمانان به صورت ابزاری مورد بهره‌برداری قرار گرفت که ثمره آن فرقه‌گرایی در هیبت جنبش اسلامی و شکل‌گیری گروه‌های سلفی - تکفیری است. تحولات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام در دوران معاصر و اندیشه‌های توسعه‌طلبانه غرب در کشورهای اسلامی، نگاه به استفاده از اندیشه مخرب سلفی - تکفیری را تقویت کرد که این مهم با حمایت از جریان‌های تروریستی منجر به کاهش ضریب امنیتی جامعه مسلمانان و در نهایت تأثیرگذاری بر جهان اسلام شد که مهم‌ترین پیامدهای مخرب سیاسی - امنیتی رواج این اندیشه با اشاعه و ترویج اسلام‌هراسی و در کنار آن تخریب چهره اسلام، در مخالفت با موضوعاتی مانند فناوری، دموکراسی، تمدن و مواردی مانند آن به‌عنوان ابزاری مورد استفاده قرار گرفت.

جریان طالبان از مصادیق این تفکر است که در چهار دهه گذشته با بسط و گسترش اندیشه سلفی در شرق کشور منشأ بروز تحولات ناامن ساز در جهان اسلام و حتی سایر کشورها شد. پیامد این ظهور شکل‌گیری جریان تندروی القاعده و در ادامه داعش و سایر گروه‌های سلفی - تکفیری در منطقه و جهان پیرامونی بود که محصول برآمده از آن با افزایش بازیگری نظام سلطه در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم و گروه‌های سلفی - تکفیری، گسترش ناامنی و افزایش

جرأت و جسارت جریان‌های سلفی تکفیری و در نهایت بسترساز کنش‌های گفتاری و رفتاری علیه جامعه مسلمانان شد. به هر حال شناخت پیامدهای این ظهور و تهدید برآمده از آن علیه نظام ج.ا.ا، نیازمند روشی هوشمندانه برای عبور از ناامنی‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی کشور است که در صورت قرار گرفتن در مسیر صحیح می‌تواند منجر به استحکام هندسه قدرت جمهوری اسلامی شود. منظومه فکری مستحکم و قابل قبول در برابر نفوذ اندیشه سلفی-تکفیری، استفاده از فرصت‌های ناشی از این ظهور بوده و مستلزم درک قوی از تحولات سیاسی-امنیتی و در نهایت شکار فرصت‌هاست که به‌عنوان راهبردهای تقابلی در فضای پُر تنش محیط منطقه‌ای می‌تواند راهگشای مناسبی برای ترسیم خط مقابله‌ای در برابر جریان طالبانیسم باشد. از این‌رو توجه به این نکته که ظهور طالبان فرصت‌سازی برای حضور بخش‌های اطلاعاتی و صنعتی غرب (لس‌آنجلس تایمز^۱، ۲۰۱۴: ۸۱) را می‌تواند تشدید نماید، باید مورد توجه سامانه‌های اطلاعاتی-امنیتی و نظامی ایران قرار گرفته و راه مقابله با آن در مسیر پیش‌رو با استدلال منطقی و قوی ترسیم شود.

با عنایت به مراتب فوق سوال اصلی مقاله به این شکل ارائه خواهد شد که تهدیدها و فرصت‌های قدرت‌یابی مجدد طالبان بر امنیت ملی ایران کدامند؟ بر این مبنا سؤالات فرعی در دو محور شامل تهدیدهای قدرت‌یابی مجدد طالبان بر امنیت ملی ایران کدامند؟ و فرصت‌های قدرت‌یابی مجدد طالبان بر امنیت ملی ایران کدامند؟ در مقاله مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

سابقه چهل ساله گذشته در روند حرکت نظام ج.ا.ا و تهدیدهای امنیتی مترتب بر آن در بسیاری از موارد ناشی از تأثیر فضای محیطی اطراف به‌ویژه در حوزه مسائل قومیتی و ایدئولوژیکی بوده که مصداق بارز آن در مناطق غربی و شرقی کشور با تحركات ضدانقلاب کردی و بلوچی امنیت نظام را با چالش جدی مواجه ساخته و با گذشت زمان هم‌چنان به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم نظام ج.ا.ا باقی مانده است. در این بین گسترش اندیشه سلفی و

1. Los Angeles Times

خوانشی جدید از اسلام با پوشش افراطی‌گرایی فرقه‌ای، که آخرین آن مربوط به ظهور مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ در افغانستان است، اکنون به یکی از دغدغه‌های جهان اسلام تبدیل شده و عبور از آن به‌عنوان یک مسئله، نیاز به تعمق، بررسی و واکاوی دارد با توجه به اهمیت موضوع شناخت پیامدهای تأثیرگذار امنیتی قدرت‌یابی طالبان در افغانستان به‌عنوان یکی از این جریان‌های افراطی به‌عنوان دغدغه و مسئله محقق در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله با تمرکز بر چرایی استمرار این وضعیت با در نظر داشتن عوامل متعددی چون کم‌توجهی دولت به این مناطق، محرومیت‌های اقتصادی و تأثیر آن بر رشد بیکاری، ساختار نامناسب و عدم استقبال به سرمایه‌گذاری اقتصادی در فضای جغرافیایی آن، دوری از مرکز به‌خصوص شرق کشور، تأثیر زمینه‌های بروز ناامنی در آن و فرار از سرمایه‌گذاری سمن‌ها و در نهایت فقر فرهنگی و برجسته شدن احساس محرومیت نسبی (گار، ۱۳۹۶: ۳۲) به‌دلیل تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشور در این مناطق شایسته بررسی است تا راهکار عبور از آن با در نظر داشتن تحولات منطقه شرق و تهدیدها و فرصت‌های حاصل از آن با توجه به حضور مجدد طالبان ترسیم شود.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی ریشه‌ای تحولات افغانستان به‌دلیل روی کار آمدن جریان سلفی طالبان نیازمند اتخاذ تدابیر و اقدام لازم از طریق ترسیم نقشه راه مناسب می‌تواند در افزایش ضریب امنیتی نظام ج.ا.ا در مناطق شرقی کشور مؤثر باشد. این نقشه راه منجر به استحکام درونی قدرت نظام ج.ا.ا در پاس‌داشت و حفظ امنیت مردم منطقه و حفاظت از تمامیت ارضی کشور شده و نمادی از هندسه قدرت نظام ج.ا.ا در منطقه شرق کشور خواهد بود. از آن‌جا که افزایش امنیت منجر به تقویت سرمایه اجتماعی کشور در سه حوزه مشارکت، اعتمادسازی و اعتبار نظام ج.ا.ا شده و جامعه‌پذیری سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل در نزدیکی بین مردم و حاکمیت برجسته خواهد نمود، توجه به چگونگی این امنیت‌سازی در شرایط فعلی برای دفاع از امنیت ملی نظام ج.ا.ا اهمیت بالایی دارد که در این مقاله به آن توجه خواهد شد.

ضرورت توجه به تحولات همسایه شرقی و جریان برآمده از جنبش اعتراضی ملت افغانستان به‌حضور آمریکای متجاوز به‌واسطه نوع نگرش مذهبیون اهل سنت به جریان طالبان

دستاویزی برای استفاده ایزاری از اندیشه مذهبی اهل سنت در شرق خواهد بود. این برجستگی تحت تأثیر احساس محرومیت نسبی می تواند در میان اقوام بلوچ و اهل سنت جنوب خراسان گرایش طالبانیستی و اندیشه ضدشیعی را تقویت و ناامنی در منطقه را تقویت نماید.

۳-۱. پیشینه تحقیق

کتاب بنیادگرایی سلفیه اثر «هوشنگی و پاکتچی» از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) جریان‌شناسی سلفی را در سال ۱۳۹۰ در قالب گردآوری مقالات مورد بررسی قرار داده است. از این منظر در شناخت تفکرات منبع خوبی برای علاقه‌مندان خواهد بود. محور مورد بحث در این مقالات شکل‌گیری جریان سلفی و بررسی اندیشه‌های آن است.

کتاب سلفی‌گری معاصر اثر «مهدی فرمانیان» از انتشارات زمزم هدایت در سال ۱۳۹۵ روند با تشریح اندیشه‌های سلفی - تکفیری، تاریخ جریان سلف را در جهان اسلام و ایران مورد توجه قرار داده و چگونگی ظهور جریان طالبان و تحولات افغانستان را با تأکید بر گروه القاعده مورد واکاوی قرار داده است. کتاب مذکور در شناخت از تحركات سلفیون در منطقه منبع مناسبی در شناخت جریان سلفیه جدید است.

کتاب کالبدشکافی امنیتی جریان تکفیری اثر «احمد مزینانی» نشر دانشکده امام هادی (ع) در سال ۱۳۹۵ با رویکردی امنیتی، تهدیدات ناشی از جریان سلفی - تکفیری را مورد توجه قرار داده و از این منظر برای سازمان‌های درگیر مبارزه با جریان تکفیری مناسب است. محور اساسی در این کتاب تحلیل سناریوی تأثیرات آینده فعالیت جریان تکفیری مدرن بر محیط امنیت ج.ا. و راهبرد مقابله با آن است که می‌تواند نگرش مناسبی برای اتخاذ رویکرد مقابله‌ای با جریان سلفی - تکفیری باشد.

کتاب نوستالوژی خلافت نوشته «فواد ابراهیم» از انتشارات اندیشه سازان نور در سال ۱۳۹۵ به دلیل پرداختن به نگرش وهابی‌گری و تسری آن در جریان سلف جدید در ردیف کتاب‌های قابل‌استفاده در شناخت از خشونت این جریان است. بیان جنایت جریان سلفی در عربستان به‌عنوان خاستگاه این اندیشه و قتل‌عام مردم حجاز و راه‌اندازی جوی خون در شهرهای مختلف از مهم‌ترین موارد اشاره‌شده در این کتاب است.

مقاله عوامل تهدیدکننده امنیت جهان اسلام از سوی جریان‌های تکفیری به قلم «خسرو

بوالحسنی، شهرام نوروزانی و امیر غلامعلیان» در فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی در تابستان ۱۳۹۶ شماره ۶۸ با ماهیت‌شناسی جریان تکفیری به‌روش آماری خطرات حاصل از فعالیت جریان تکفیری را احصاء نموده که مهم‌ترین آن نفوذ به دایره قومی- مذهبی اهل سنت و ترویج شکاف‌های قومی- مذهبی است. از این منظر مقاله موردنظر هم‌راستا با اهداف این مقاله قابل استفاده است.

الگوی رفتاری گروه تکفیری داعش درحوزه دفاعی- امنیتی ایران تا ۱۴۰۴ نوشته « دلیری و داوند» در فصلنامه علمی امنیت ملی به شماره ۳۶ در تابستان ۱۳۹۹ سناریوهای پیش‌رو از تحركات احتمالی داعش را در عراق، سوریه و افغانستان موردتوجه قرارداد و در پایان با ارائه الگوی امنیت راهبردی در برابر داعش، نقاط ضعف و قوت داعش و ج.ا.ا را برشمرده است.

مقاله پیامدهای سیاسی- اجتماعی حضور سلفیان در افغانستان نوشته «تراب» در فصلنامه پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی شماره ۱ بهار ۱۳۹۸ مبانی اعتقادی اندیشه سلفی در افغانستان را موردتوجه قرارداد و با اشاره به‌شکل‌گیری جریان سلف در شرق آسیا، به‌تشریح رویکردهای این جریان در گسترش و بسط اندیشه سلفی در مدارس دارالعلوم در هند و پاکستان پرداخته و ارتباط آن را با سلفیه جدید در افغانستان با محوریت طالبان را مورد بررسی قرار داده است.

اکثر به‌قرب منابع ذکرشده مربوط به‌عهد اوج‌گیری اندیشه تروریستی القاعده و داعش بود و کمتر به موضوع طالبان توجه داشته‌اند. نوآوری مقاله حاضر در آن است که جریان طالبان و اندیشه‌های آن را با رویکردی امنیتی موردتوجه قرارداد و در صدد احصاء فرصت‌ها و تهدیدهای قدرت‌یابی طالبان در افغانستان با بررسی چرایی ظهور مجدد طالبان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا با دو نگاه عوامل فرصت‌ساز و عوامل تهدیدساز است.

۱-۴. اهداف تحقیق

هدف اصلی:

شناخت تهدیدها و فرصت‌های طالبان بر امنیت ملی ایران

اهداف فرعی:

۱. شناخت تهدیدهای طالبان بر امنیت ملی ایران.
۲. شناخت فرصت‌های طالبان بر امنیت ملی ایران.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱-۲ اندیشه سیاسی و ابعاد آن

ابعاد اساسی اندیشه سیاسی شامل دو بُعد جامعه‌شناختی و ترکیب ایدئولوژیکی است. در ابعاد جامعه‌شناختی سه بحث موقعیت اجتماعی، حامیان اندیشه و مولدان اندیشه مورد توجه است. در ترکیب به موضوع استحکام ایدئولوژی در جامعه هدف پرداخته خواهد شد (غلام‌رضا کاشی: ۱۳۸۸). در «موقعیت اجتماعی» علت اینکه چرا یک تفکر در یک جریان فکری - سیاسی در مقطع زمانی مشخص و توسط فرد و یا گروه خاصی بسط و ارزش پیدا کرده، مورد توجه است. «حامیان اندیشه» به این توجه دارد که چه طیف و با چه گروهی و با چه افرادی به‌عنوان حامی این اندیشه و تفکر مطرح‌شده و در حمایت از آن تلاش می‌کنند. «مولدان فکری» نیز مربوط به میزان رشد متفکران سیاسی در یک کشور و میزان ارتباط روشن‌فکران، نخبگان جامعه با اندیشمندان و صاحب‌نظران اندیشه‌های سیاسی در جامعه مورد هدف است. در نهایت در ترکیب ایدئولوژیکی، به‌میزان مطرح شدن آن در جامعه و نفوذ اندیشه در بین اجتماع توجه دارد. هر چه این نفوذ بیشتر باشد، اندیشه ایدئولوژیکی از استحکام بیشتری برخوردار بوده و میل به قدرت‌یابی در هواداران بیشتر خواهد بود.

تحول در پی ظهور یک اندیشه و رویکرد به‌سوی آن حاصل می‌شود و هر چه میزان انسجام ایدئولوژیکی بیشتر باشد، نفوذ ایدئولوژی در حوزه‌های اندیشه‌دینی و مذهبی بیشتر خود را نشان می‌دهد (احمدی حاجیکلائی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). از این جهت برخی افراد و یا حتی گروه‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از این ابزار تأثیرگذار به گفتمان‌سازی در جامعه مورد بحث اقدام‌نموده و در جهت منافع خود گام بردارند. مصداق این مورد تلاش گروه‌های سلفی - تکفیری است. که با استفاده از شرایط حاکم بر محیط (عراق و سوریه و افغانستان) مفصل‌بندی جدیدی از اندیشه ایدئولوژیکی سلفی در قالب گفتمان سلفی ارائه‌داده و موفق به جلب‌نظر توده شدند (ساوه درودی، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

۲-۲ اندیشه سیاسی در اسلام و ابعاد آن

موقعیت اجتماعی - نخستین جریان اندیشه‌ای در جهان اسلام، پس از رحلت پیامبر (ص) در جریان سقیفه بنی‌ساعده شکل گرفت (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۳۳). تفکرات حاکم بر جامعه عرب و

برداشت از قرآن که زمین لحظه‌ای از حجت خدا نباید خالی باشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۶۰)، در کنار رقابت‌های قومی و قبیله‌ای اعراب بادیه‌نشین و هم‌چنین تقسیم‌بندی جامعه مسلمانان به دو گروه انصار و مهاجرین مهم‌ترین زمینه‌های رقابت بین جامعه اعراب را فراهم ساخت که محصول آن پیدایش سه جریان شیعی، اهل سنت و خوارج بود (عنایت، ۱۳۹۸: ۲۳).

مولدان فکری - بعد از قتل عثمان اختلافات فکری و اندیشه‌ای در جامعه مسلمانان افزایش یافت که در این تحولات نگرش کلامی برای اولین بار با ظهور اندیشه معتزله (پذیرش باورهای دینی با عقل) و اشاعره (پذیرش باورهای دینی با حدیث و روایات) به وجود آمد. این نگرش‌ها باعث شد تا در قرن دوم و سوم هـ.ق جریان اهل سنت در پیروی از بزرگان اهل سنت به چهار شاخه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی تقسیم شوند. که در کلام و فقه اختلافاتی را داشتند. اختلافات روبه گسترش این دو کلام در نهایت با کلام دیگری همراه شد که خواستگاه آن سمرقند در آسیای میانه بود. در قرن چهارم ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ق - اهل روستای ماترید سمرقند) تلاش کرد اختلاف این دو کلام را با اندیشه جدیدی که به نام او ماتریدی نام گرفت، حل کند. اشعری‌ها معتقد بودند خدا قابل رویت بوده و جسمانی است، اما معتزله معتقد بود خدا قابل رویت نیست و آن را به‌طور کامل رد کرد؛ اما ابومنصور در نظریه خود اعلام داشت؛ خدا قابل رویت هست، اما جسمانی نیست (کوربن، ۱۳۸۱: ۳۷).

طبقات حامی - درحالی‌که خواستگاه دو جریان کلامی معتزله و اشاعره در جهان عرب بود، ماتریدی در مناطقی از هند، آسیای میانه و ترکیه ظهور یافت. اشعری‌ها حداقل تا ظهور ابن تیمیه قدرت غالب در جهان اسلام بودند، معتزله به‌جز مدت کوتاهی چندان مطرح نبود و پیروان آن به دلیل اختلاف با خلفا بیشتر به سمت شرق جهان اسلام (آسیای میانه و خراسان) تبعید شده و یا اینکه خود به این مناطق فرار می‌کردند. بدین ترتیب بود که معتزله حنفی‌مذهب بیشتر در شرق حوزه خلافت اسلامی ساکن شدند. با ظهور اندیشه ماتریدی بیشتر حنفیان، فقه و باید و نبایدهای مذهبی خود را از ابوحنفیه و مباحث کلامی (توحید و معاد و...) را از ابومنصور ماتریدی گرفتند. (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۷).

۲-۳ اندیشه سلفی‌گری در جهان اسلام

سلف در لغت به معنای پیشینیان و گذشتگان و در اصطلاح به معنای بازگشت به فهم

صحابه، تابعان و علمای مورد اعتماد اصحاب حدیث در سه قرن اول اسلام و برتر دانستن فهم و اندیشه آنان است. این دیدگاه در برخی از اهل تسنن وجود داشت که معتقد بودند بهترین افراد که می‌توان به سیره آن‌ها عمل کرد و اسلام حقیقی را دریافت، اصحاب رسول خدا هستند و در مرحله بعد، شاگردان آن‌ها که «تابعین» گفته می‌شوند، یعنی پیروان اصحاب و نسل سوم که «تابعین تابعین» هستند. ابن تیمیه شاخص‌ترین فردی بود که این اندیشه را رواج داد. از نگاه وی، سلفی‌گری به معنای برتر بودن فهم سلف از خلف است. وی با استناد به کتاب بخاری مدعی شد، پیامبر فرمود: «خیر القرون قرنی ثم یلونی ثم یلونی»، بهترین قرن، قرن من است، سپس قرن بعدی و سپس قرن بعدی» (بخاری، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷ م حدیث ۴۷۳). نام این قرون را قرون فاضله نامید (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۱).

به لحاظ سیاسی سلفی‌گری موضعی نسبتاً مبهم دارد در قرن نهم و دهم سکوت سیاسی را ستایش می‌کردند (فیرحی، ۱۳۷۸: ۲۱۱) اما در دوران معاصر و بعد از سقوط خلافت عثمانی با آرزوی بازگشت به شکوه قومیتی، اندیشه و شکل‌گیری جریان تکفیری- تروریستی را با ظهور طالبان در افغانستان و سپس القاعده و داعش در فاز جدیدی از خشونت به نمایش گذاشت. هر سه جریان که امروز مدعی جنبش اسلامی هستند به دلیل گرایش به اندیشه سلفی انحرافی، برداشت‌های خود را در حوزه فهم از دین متناسب با اندیشه ابن تیمیه و عبدالوهاب دنبال می‌کنند (موثقی، ۱۳۹۲، ۹۸۷).

۵ قرن بعد از ابن تیمیه، محمدبن عبدالوهاب به‌عنوان ادامه‌دهنده این تفکر، اندیشه رادیکالی را ایجاد کرد. براساس این تفکرات بود که تمام جریان‌های فکری وابسته به ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب شیعه را رد کردند که که بیشتر با عنوان سلفیه تقابلی شامل القاعده و داعش، انصارالسنه، انصارالاسلام، شیعه را تکفیر و برخی از آنان که سلفیه دیوبندی در شبه‌قاره هند هستند، شیعه را مشرک می‌دانند (عابدی، ۱۳۹۵: ۱۲۹). ریشه دیوبندی‌ها در تحولات هند با قیام احمد سرهندی و شکست آن در سال ۱۸۵۷م/ ۱۲۷۳ق، باعث ایجاد گرایش‌های متفاوتی در بین مسلمانان هند شد. یکی از این گرایش‌ها، بازگشت به اسلام بود که معتقد بودند، حضور کافران در هند و تسلط آن‌ها بر مسلمانان، به دلیل عدم توجه مسلمانان به اجرای دستورهای صحیح اسلام است. بنابراین، بهترین راه، بازگشت به اسلام است. این تفکر که در روستای

دیوبندی هند رواج یافت، بعدها با نام دیوبندیه شناخته شد، که به وسیله ملامحمد قاسم نانوتوی با تشکیل مدارس دارالعلوم بر مبنای اندیشه شاه ولی‌الله دهلوی راه‌اندازی (۱۸۶۷ م) که به طور تقریبی تمام شبه‌قاره هند را دربرگرفت که دامنه آن به افغانستان امروزی نیز کشیده شد.

۲-۴ چرایی ظهور مجدد طالبان

موقعیت اجتماعی - ریشه اولیه تحولات افغانستان در پی رویدادهای دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی رقم خورد و شرایط حاکم بر آن که در پی اشغال این کشور توسط شوروری سابق رقم خورده بود باعث تا برای اولین بار اسلام‌گرایان شرق و غرب در یک نقطه جمع شده و پدیده افغان عرب به وجود آید (احمدی، ۱۳۹۰، ۹۹). گذر تحولات و گسترش ناامنی حاصل از دخالت نظام سلطه در این کشور باعث شد تا ملت افغانستان برای رسیدن به دو مفهوم امنیت و رفاه، همواره به دنبال ناجی و منجی گمشده‌ای باشند تا خود را به آن متصل نمایند. طالبان به‌عنوان جنبشی که از قبل در بین مردم خواستگاه قومی و قبیله‌ای داشت و در طول سال‌ها کم و بیش با اشغال‌گران موضع‌داشته و با آن‌ها جنگیده بود، در بستر مناسبی که ناشی از خروج آمریکا از افغانستان بوده، یکبار دیگر با حمایت قوم پشتون که حداقل نیمی از مردم افغانستان را تشکیل می‌دهند؛ با گفتمان‌سازی در فضای پرتهاپ ناامنی و آشوب مجدد خود را مطرح و موفق شد تا قدرت را در سال ۲۰۲۱ به دست بگیرد. از این جهت چرایی به قدرت رسیدن مجدد طالبان تابعی از شرایط اجتماعی این کشور و نگرش‌های قومیتی بود که طالبان با گفتمان‌سازی و با محور قرار دادن یک «غیر» به نام آمریکای متجاوز و ضعف دولت موفق به کسب قدرت شد. عملکرد طالبان در طول چند ماه اول قدرت‌یابی و حمله به پنجشیر نشان از آن دارد که طالبان به درک مناسبی از صبر استراتژیک نرسیده و با همان رویکرد گذشته برمدار قومیت و مذهب حرکت می‌کند. از این جهت موقعیت اجتماعی متزلزلی داشته و به نظر می‌رسد با ورود به دوران بی‌ثباتی گسترده ناشی از جنگ‌های داخلی مانایی چندانی را در افغانستان نخواهد داشت که این بی‌ثباتی دامن‌گیر ایران هم خواهد شد که بیشترین آن سیل مهاجرت و تشدید آسیب‌های اجتماعی در ایران به‌خصوص در شهرهای سنی‌نشین در شرق کشور و دیگری تقویت اندیشه سلفی‌گری در داخل با مظلوم‌نمایی گروه طالبان خواهد بود.

طبقات حامی - دو طیف اصلی جریان طالبان شامل طالبان پاکستانی به‌عنوان خاستگاه اندیشه سلف دارالعلوم متکی بر مذهب و طالبان افغانی به‌عنوان خاستگاه اندیشه پشتونی متکی بر قومیت هستند. از این جهت مرکز ثقل حمایت مردم از طالبان بر اندیشه قومیتی قرار دارد. با توجه به اینکه قومیت حتی قوی‌تر از مذهب در بین اندیشه طالبان افغانستان است، این جریان با تمرکز بر این اندیشه که در شرایط بحران سیاسی - اجتماعی نمود برجسته‌ای پیدا می‌کند (گوهری مقدم، ۱۳۹۱: ۲۱۱) حاکم بر افغانستان موفق به کسب قدرت شد. سایر اقوام نیز در این مسیر تا حدودی با طالبان همراه بودند که علت اصلی نه به‌دلیل حمایت از طالبان بلکه انتقام‌گیری از اشغال‌گری آمریکا و رسیدن به‌نوعی آرامش و امنیت و ثبات در جامعه افغانی بود؛ که فعلاً آن را در طالبان دیدند. این شرایط باعث شد تا گفتمان غالب در حمایت از طالبان تشکیل و در عرض کمتر از یک ماه کل افغانستان به‌جز پنجشیر تحت‌کنترل طالبان قرار گیرد.

با این توصیف طبقات حامی طالبان عامه مردم افغانستان بودند، اگر چه در کنار طالبان در تصرف شهرهای افغانستان و سقوط دولت نقشی نداشتند، اما همین‌که در کنار دولت اشرف غنی قرار نداشتند و به کمک دولت نرفتند، در واقع خود نشانی از اعتراض به دولت و حمایت نسبی از طالبان بوده است. تنها ۳۰ درصد مردم در شهرها بودند که از این تعداد نیز جز نیروهای وابسته به طالبان، سایرین نظاره‌گر بودند. به‌همین دلایل است که افغانستان را جامعه‌ای چند قومی تعریف می‌کنند که هرگز شاهد همگرایی و وحدت اقوام خود در چارچوبی ملی نبوده و به‌همین دلیل بی‌ثباتی طولانی در این کشور خطوط قومی - مذهبی را پررنگ‌تر نموده و پروژه ملت‌سازی را با مشکل جدی روبه‌رو ساخته است.

مولدان فکری - اعتقادات مذهبی دارالسلام و دارالکفر در جامعه اهل سنت عامل مهمی برای رهبران سنی مذهب افغانی و پاکستانی بود که خود را در بین مردم افغان مطرح نمایند. اندیشه‌های افرادی مانند ابن تیمیه و اشاعه آن در جامعه اهل سنت شبه‌قاره توسط شاه ولی‌الله دهلوی که توسط علمای مدارس دارالعلوم آموزش داده می‌شد، مهم‌ترین دلیل برای رواج اندیشه سلفی طالبانیستی بر مبنای نگرش‌های حنفی - ماتریدی بود که در فضای مناسب ناشی از حمله شوروی سابق به افغانستان جو منطقه را ملتهب و منجر به تقویت اندیشه سلفی -

تکفیری شد که همان شق دوم ابعاد اندیشه سیاسی است که ترکیب ایدئولوژی حاکم بر جامعه افغانی را شکل می‌دهد. طالبان برای استحکام این ایدئولوژی همواره از آن استفاده کرده و با هدف جلب جوانان اهل سنت افغان این مهم را به‌عنوان مهم‌ترین سازه استحکام‌بخش و تشکیل‌دهنده اندیشه سلفی در کنار اندیشه قومیت‌گرایی قرار داد و موفق به کسب قدرت در افغانستان شد.

۲-۵- تهدیدهای ظهور مجدد طالبان برای ایران

اندیشه طالبانیسم در دوره اول قدرت‌یابی این جریان در افغانستان و عملکرد خشن این جریان در قتل و کشتار مخالفان، باعث شد تا متفکرین سیاسی-امنیتی ظهور مجدد طالبان را در ادامه همان روند گذشته در افغانستان و تسری آن به برخی از کشورهای همسایه قلمداد نمایند. نگرش این افراد بر آن است که روی کار آمدن طالبان زنگ خطری برای احتمال تبدیل شدن افغانستان به مرکز تروریسم بین‌الملل بوده و خطر بازخیزش اقدامات تروریستی را به مانند گذشته که منجر به شکل‌گیری القاعده و داعش شده بود، در پی داشته باشد. این افراد معتقدند بقایای داعش در افغانستان با عنوان دولت اسلامی خراسان (داخ- به رهبری شهاب المهاجر) رقیب اصلی طالبان بوده و منازعات داخلی در افغانستان را شدت داده و دامنه آن به دیگر کشورها نیز کشیده خواهد شد. این منازعه ناشی از اختلاف طالبان با داخ بر سر رهبری جنبش جهاد اسلامی در افغانستان است و انتظار می‌رود با واکنش خشن نظامی طالبان منجر به افزایش یک تئوکراسی مذهبی سرکوب‌گر در افغانستان شود. در این بین طالبان نیز برای صدور دیدگاه انقلابی خود به سراسر جهان اصرار دارد تا همه گروه‌های اسلامی با او بیعت کنند (گرگس^۱، ۲۰۲۱). این تحلیل که در اوایل روی کار آمدن طالبان مطرح شده بود در کوتاه‌مدت به اثبات رسید و جریان داخ (بقایای داعش) با اجرای اقدامات تروریستی در برخی از شهرهای افغانستان، به بهانه مقابله با داعش دست به کشتار مردم به‌خصوص شیعیان این کشور زد تا ناتوانی طالبان در ایجاد امنیت در افغانستان را به رخ بکشند. از این منظر موفقیت طالبان به‌عنوان یک گروه شورشی به توانمندی آن در حفظ همبستگی داخلی وابسته خواهد بود که با رسیدن به قدرت این توان برای حفظ یکپارچگی با مشکل جدی مواجه شده است.

جناح های داخلی طالبان نظرات متفاوتی برای اداره حکومت دارند، افراد میانی آن تندور هستند و طالبان مشکل جدی درباره کنترل احساسات و انگیزه آنان دارد. اگر طالبان موفق به کنترل داخ نشود، تضعیف شده و بدین ترتیب خشونت در افغانستان افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر امکان دارد تا پای ایران هم به دلیل اقدامات داخ علیه شیعیان هزاره و حتی نآرامی در مناطق مرزی ایران و افغانستان به نوعی جنگ شیعه و سنی را شعله ور سازد (فلباب براون^۱، ۲۰۲۱).

برخی از متفکرین اعتقاد دارند، تبعات حاصل از این ناامنی به طور طبیعی در کشورهای همسایه افغانستان و به خصوص ایران به دلیل برخورداری از اندیشه شیعی دیده خواهد شد و از میان همسایگان افغانستان، ایران می تواند منفی ترین پیامد را از حضور طالبان داشته باشد. این ناامنی موج احتمالی شمار بیشتری از پناهندگان افغان به سمت ایران را تشدید خواهد نمود. دامنه این هجوم علاوه بر تأثیرگذاری بر اندیشه اهل سنت ایران به واسطه همدردی با پناهندگان، تبعات امنیتی ناشی از این حضور را در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و حتی زیست محیطی ایران برجای و ایران با آسیب های اجتماعی بیشتری مواجه خواهد شد (هانتر^۲، ۲۰۲۱).

از دیگر تهدیداتی که با روی کار آمدن طالبان متوجه ایران خواهد شد، این است که طالبان که تحت حمایت عربستان (به لحاظ مذهبی و مالی) و پاکستان (به لحاظ اطلاعاتی و سیاسی) و رژیم صهیونیستی (به لحاظ اطلاعاتی - امنیتی) قرار دارد، می تواند گروه های سلفی را در داخل ایران تهییج و با قرار گرفتن در کنار رقبای سنتی ایران، جایگاه منطقه ای ایران را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف نماید. در این شرایط اگر ایران به حمایت از گروه های ضد طالبانی هم چون گروه احمد مسعود برآید متهم به دخالت در امور افغانستان شده و احتمال واکنش از سوی طالبان و حتی بازیگران حامی او در افغانستان حتی به صورت اقدامات ایذایی و یا اجرای اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی علیه ایران متصور خواهد بود. ضمن اینکه گرایش به سمت کاشت مواد مخدر و وخامت ناشی از این اقدام به کشورهای همسایه و به خصوص ایران به دلیل مستعد بودن خط انتقال مواد به اروپا و هم چنین برخوردار بودن از زمینه اختلافات مذهبی، ایران را دستخوش ناامنی داخلی و واکنش نظام بین الملل به ناتوانی ایران در کنترل مرزهای

1. felbab Braown
2. Hanter

خود خواهد کرد که این هم به ضرر امنیت ملی ایران خواهد بود. فضای اجتماعی داخل افغانستان نیز چندان مساعد نیست. دغدغه فعلی ملت افغانستان عبور از دروازه فقر و ناامنی و رسیدن به حداقل رفاه و امنیت نسبی است. از این‌رو دغدغه جامعه افغانی آزادی مدنی نیست. از جمعیت نزدیک به ۳۲ میلیونی افغان، بیش از ۷۱ درصد مردم افغان روستایی هستند و کمتر از ۳۰ درصد در شهر زندگی می‌کنند. به‌همین دلیل مفهومی مانند آزادی مدنی در این کشور با وجود طالبان و یا بدون آن خواستگاهی ندارد، از این جهت است که ملت افغانستان امنیت و رفاه را طلب می‌کند؛ اگر طالبان بتواند این ثبات و امنیت را برای مردم افغان ایجاد نماید، موفق به ماندگاری حداقل در کوتاه‌مدت خواهد شد، اما این ماندگاری در بلندمدت به دلیل نگرش‌های قومیتی و ایدئولوژیکی هیچ افق روشنی ندارد که دامنه حاصل از این شرایط به‌عنوان یک تهدید جدی با افزایش مهاجرت به ایران مشکل ساز خواهد بود.

۲-۶ فرصت‌های حضور طالبان برای ایران

ظهور طالبان در افغانستان در عین تهدید می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای ایران فراهم سازد. با این تفاوت که وزنه فرصت‌ها در مقام مقایسه با تهدید بسیار کمتر خواهد بود. روابط گذشته ایران با طالبان که در دهه دوم حضور آمریکا در افغانستان شکل گرفت، ناشی از اتفاق نظر دو طرف در دشمنی آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس با ایران و طالبان بوده است. به‌رحال ایران در مقاطعی از ظرفیت‌های طالبان استفاده کرد و متقابلاً طالبان نیز خدماتی برای ایران داشته است. این سابقه همکاری می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای ایران باشد تا روابط خود را با قدرت جدید در افغانستان را تحکیم بخشد. ثمره این روابط نیز برای ائتلاف دو طرف برای مقابله با اقدامات داعش و گروه وابسته به آن (داخ) و احتمالاً سایر گروه‌های افراطی سلفی - تکفیری که مواضع به‌تندی علیه شیعیان ایران دارند، فراهم سازد. ضمن اینکه نفوذ طالبان در پاکستان، نیز می‌تواند منجر به محدودسازی اقدامات ضدشیعی گروه‌های تندرو طالبان در پاکستان علیه شیعیان ایرانی و پاکستانی شود. در داخل مرزهای ایران، نظام ج.ا.ا می‌تواند با نمایشی از تحکیم روابط خود با طالبان تنش‌های قومی و مذهبی در منطقه شرق را تا حد زیادی کاهش داده و اندیشه تقریب مذاهب را تقویت و توطئه و سوءاستفاده عوامل خارجی و

سرویس‌های بیگانه را برای استفاده از ظرفیت‌های قوم بلوچ و اهل سنت شرق کاهش دهد. به لحاظ اقتصادی نیز حضور طالبان فرصتی را برای ایران فراهم می‌سازد تا ایران به دلیل روابط گذشته با طالبان، در اقتصاد افغانستان نقش پررنگ تری را ایفا نماید. مهم‌ترین این اقدام در بازسازی افغانستان جنگ زده و محروم از نیازهای اولیه اقتصادی معطوف به افزایش صدور کالا به خصوص در حوزه کالاهای ساختمانی و همچنین ساخت جاده است که ایران تجربه خوبی در این حوزه‌ها دارد. ضمن اینکه رونق اقتصادی در این کشور زمینه‌ساز بازگشت افغان‌های مهاجر و پناهنده‌شده و تا حد قابل توجهی منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی در ایران خواهد شد.

۳. روش پژوهش

پژوهش موردنظر از نقطه نظر راهبرد تحقیقاتی، آمیخته و از نقطه نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی است. ضمناً از آن‌جا که در پی توصیف عینی و واقعی فرصت‌ها و تهدیدات ظهور مجدد طالبان برای امنیت ملی ج.ا.ا است از نقطه نظر اجرا در آن از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است. قلمرو زمانی، سال ۱۴۰۰ بوده و در قلمرو مکانی ج.ا.ا صورت پذیرفته است. ویژگی‌های جامعه آماری عبارت است از: (۱) از استادان و پژوهش‌گران صاحب نظر در رشته‌های علوم سیاسی، امنیت ملی و روابط بین‌الملل در سطح دانشگاه‌های دولتی سطح شهر تهران باشند؛ (۲) دارای تألیف مقاله یا پژوهش کاربردی پیرامون مسائل امنیت ملی ج.ا.ا باشند؛ (۳) شناخت نسبی و مناسبی نسبت به تحولات افغانستان داشته باشند؛ (۴) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر باشند. با توجه به این ویژگی‌ها، جامعه آماری اولیه این پژوهش، ۱۳۰ نفر برآورد شده است.

تعداد اعضای نمونه آماری براساس داده‌های جدول کرجسی و مورگان، ۹۷ نفر است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش کتابخانه‌ای/اسنادی، از جدیدترین و با کیفیت‌ترین متون و تحقیقات اندیشمندان استفاده شده است. قسمت میدانی، به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود. ابتدا با عنایت به اهمیت و نقش مصاحبه در جمع‌آوری اطلاعات فرصت‌ها و تهدیدات، با استفاده از روش گلوله‌برفی، با ۸ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مرتبط با قلمرو موضوعی

پژوهش (از بین حجم نمونه آماری)، مصاحبه عمیق تا مرحله اشباع نظری صورت پذیرفته است. نتایج حاصل از مصاحبه پژوهش و بهره‌گیری از مبانی نظری تحقیق، منجر به شناسایی ۳۶ شاخص ناشی از ظهور مجدد طالبان شده است. به‌منظور اولویت‌بندی، پژوهش وارد مرحله کمی شده است. برای تعیین روایی محتوایی پرسش‌نامه ابتدا نظر متخصصان و استادان صاحب‌نظر، جمع‌آوری و پس از انجام اصلاحات لازم، پرسش‌نامه تدوین شده است. پس از تعیین روایی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته از ۳۶ شاخص به ۲۲ شاخص تقلیل یافته است. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه از یک گروه ۲۰ نفری به‌طور آزمایشی استفاده‌شده و ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۹۱. به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون آماری تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده نتایج حاصل از تحلیل آماری آزمون فریدمن به‌شرح

زیر است:

جدول ۱. شاخص‌های موقعیت سیاسی اجتماعی در شرق کشور (مصاحبه - محقق ساخته)

ظهور مجدد طالبان در افغانستان	مجموع	میانگین	میانه	مد	درصد زیاد و خیلی زیاد	df	نتایج آزمون فریدمن
وضعیت اندیشه سلفی‌گری در مناطق مرزی شرق ج.ا.ا.	۹۸	۴/۴۵۴	۵	۵	۹۰/۹	۲	۶/۹۰۹
شکاف‌های مذهبی در مناطق شرق ج.ا.ا.	۹۴	۴/۲۷۲	۴	۴	۱۰۰	۱	۴/۵۴۵
اندیشه سلفی‌گری در مناطق شرقی ج.ا.ا.	۹۲	۴/۱۸۱	۴	۴	۸۱/۹	۲	۲/۵۴۵
اندیشه و فعالیت	۶۲	۲/۸۱۸	۳	۳	۷۲/۷	۳	۱۰/۷۲۷

ظهور مجدد طالبان در افغانستان	مجموع	میانگین	میانه	مد	درصد زیاد و خیلی زیاد	df	نتایج آزمون فریدمن
تکفیری در مناطق شرقی ج.ا.ا							
افراطی‌گری فرقه‌ای در مناطق شرقی ج.ا.ا	۹۰	۴/۰۹۰	۴	۴	۸۱/۸	۲	۴/۷۲۷
ناآرامی و آشوب در مناطق شرقی کشور	۹۶	۴/۳۶۳	۴	۴	۹۱	۲	۵/۸۱۸
امنیت روانی و فرهنگی در مناطق شرقی ج.ا.ا	۱۰۴	۴/۷۲۷	۵	۵	۱۰۰	۱	۴/۵۴۵
اندیشه محرومیت نسبی در مناطق شرقی ج.ا.ا	۱۱۰	۵	۵	۵	۱۰۰	۲	۱۴/۹
امنیت مرزهای شرقی ج.ا.ا	۸۰	۳/۶۳۶	۴	۳	۵۴/۶	۲	۵/۸۱۸
مصائب ترانزیت مواد مخدر در ایران	۹۴	۴/۲۷۲	۴	۴	۹۱	۳	۵/۸۱۸
ثبات در روابط ایران و پاکستان	۴۰	۱/۸۱۸	۱	۱	۲۷/۳	۲	۱۰/۷۲۷
ثبات در روابط ایران و افغانستان	۹۶	۴/۳۶۳	۴	۴	۹۱	۲	۵/۸۱۸
ثبات در روابط ایران و کشورهای منطقه از جمله قطر	۱۰۱	۴/۳۹۱	۴	۴	۸۱/۸	۳	۹/۰۹۱

نتایج آزمون فریدمن	df	درصد زیاد و خیلی زیاد	مد	میانه	میانگین	مجموع	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۱۲/۱۸۲	۳	۸۱/۸	۵	۵	۴/۱۸۱	۹۲	شکل‌گیری و افزایش تحرکات گروه‌های معارض ج.ا.ا در داخل افغانستان و پاکستان
۱۰/۷۲۷	۲	۸۲/۷	۳	۳	۲/۸۱۸	۶۲	مهاجرت معکوس حمایت‌گونه از ایران به افغانستان
۶/۹۰۹	۳	۹۰/۹	۵	۵	۴/۲۷۲	۹۴	مهاجرت پناهندگان افغانی به ایران
۱۸	۳	۲۷/۳	۱	۱	۱/۸۱۸	۴۰	بازگشت مهاجران افغانی به افغانستان
۶/۱۸۲	۳	۳۶/۴	۱	۲	۲/۵۴۵	۵۶	وضعیت تعاملات و تبادلات اقتصادی ایران و افغانستان
۶/۳۶۴	۴	۷۲/۸	۵	۴	۳/۵۴۵	۷۸	تعارضات اساسی بین ایران و افغانستان مانند حق‌آبه هیرمند و ...
۶/۳۶۴	۳	۳۶/۴	۳	۳	۳/۲۷۲	۷۲	ظرفیت‌های افغانستان در دفع تهدیدات منطقه‌ای ایران مانند گروه‌های تکفیری

۱۶۳/	ظهور مجدد طالبان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
------	--

نتایج آزمون فریدمن	df	درصد زیاد و خیلی زیاد	مد	میانه	میانگین	مجموع	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۱۰/۷۲۷	۳	۷۲/۷	۵	۵	۴/۱۸۱	۹۲	وضعیت کشت خشخاش در افغانستان و تبعات امنیتی آن
۱۰/۷۲۷	۳	۷۲/۷	۴	۴	۳/۸۱۸	۸۴	حضور کشورهای منطقه‌ای در افغانستان مانند ترکیه، چین، قطر، پاکستان، عربستان و ...

پس از انجام مصاحبه با استفاده از اجرای فرم پرسش‌نامه یافته‌های بالا تدقیق گردید. از مجموع ۲۲ شاخص احصاء شده؛ مشخص گردید به ترتیب شاخص اندیشه محرومیت نسبی در مناطق شرقی ج.ا.ا، شکاف مذهبی، برهم خوردن امنیت روانی بیشترین امتیاز را کسب نموده‌اند (تهدیدات ایران).

جدول ۲. ظهور مجدد طالبان و مسائل امنیتی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها

میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۱/۴۵۴	امیدواری به توسعه رفاه، آزادی‌های مدنی و امنیت اجتماعی در افغانستان (فاصله‌گرفتن از دولت‌های درمانده)
۱/۸۱۸	ثبات در روابط ایران و پاکستان
۱/۸۱۸	بازگشت مهاجران افغانی به افغانستان
۱/۹۰۹	امیدواری به شکل‌گیری دولت پایدار و فراگیر در افغانستان
۲/۵۴۵	وضعیت تعاملات و تبادلات اقتصادی ایران و افغانستان
۲/۷۲۷	حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در افغانستان مانند کشورهای اروپایی، آمریکا، روسیه و ...
۲/۸۱۸	اندیشه و فعالیت تکفیری در مناطق شرقی ج.ا.ا

میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۲/۸۱۸	مهاجرت معکوس حمایت‌گونه از ایران به افغانستان
۳/۲۷۲	ثبات امنیتی در افغانستان
۳/۲۷۲	ظرفیت‌های افغانستان در دفع تهدیدات منطقه‌ای ایران مانند گروه‌های تکفیری
۳/۵۴۵	تعارضات اساسی بین ایران و افغانستان مانند حق‌آبه هیرمند و ...
۳/۶۳۶	امنیت مرزهای شرقی ج.ا.ا.
۳/۸۱۸	حضور کشورهای منطقه‌ای در افغانستان مانند ترکیه، چین، قطر، پاکستان، عربستان و ...
۴/۰۹۰	افراطی‌گری فرقه‌ای در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۴/۱۸۱	اندیشه سلفی‌گری در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۴/۱۸۱	شکل‌گیری و افزایش تحرکات گروه‌های معارض ج.ا.ا. در داخل افغانستان و پاکستان
۴/۱۸۱	وضعیت کشت خشخاش در افغانستان و تبعات امنیتی آن
۴/۲۷۲	شکاف‌های مذهبی در مناطق شرق ج.ا.ا.
۴/۲۷۲	مصائب ترانزیت مواد مخدر در ایران
۴/۲۷۲	مهاجرت پناهندگان افغانی به ایران
۴/۳۶۳	ناآرامی و آشوب در مناطق شرقی کشور
۴/۳۶۳	ثبات در روابط ایران و افغانستان
۴/۳۹۱	ثبات در روابط ایران و کشورهای منطقه از جمله قطر
۴/۴۵۴	وضعیت اندیشه سلفی‌گری در مناطق مرزی شرق ج.ا.ا.
۴/۷۲۷	امنیت روانی و فرهنگی در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۵	اندیشه محرومیت نسبی در مناطق شرقی ج.ا.ا.

برای انجام روایی آمار به‌دست‌آمده با استفاده از داده‌های حاصل از فرم پرسش‌نامه مشخص گردید: حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های «زیاد» و «خیلی زیاد» رأی داده‌اند. حاصل آنکه بیشترین ضرایب در برآورد دوم به شاخص‌های اشاره‌شده بالا تعلق گرفت.

جدول ۳. نتایج

میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۱/۴۵۴	امیدواری به توسعه رفاه، آزادی‌های مدنی و امنیت اجتماعی در افغانستان (فاصله‌گرفتن از دولت‌های درمانده)
۱/۸۱۸	ثبات در روابط ایران و پاکستان

میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۱/۸۱۸	بازگشت مهاجران افغانی به افغانستان
۱/۹۰۹	امیدواری به شکل‌گیری دولت پایدار و فراگیر در افغانستان
۲/۵۴۵	وضعیت تعاملات و تبادلات اقتصادی ایران و افغانستان
۲/۷۲۷	حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در افغانستان مانند کشورهای اروپایی، آمریکا، روسیه و ...
۲/۸۱۸	اندیشه و فعالیت تکفیری در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۲/۸۱۸	مهاجرت معکوس حمایت‌گونه از ایران به افغانستان
۳/۲۷۲	ثبات امنیتی در افغانستان
۳/۲۷۲	ظرفیت‌های افغانستان در دفع تهدیدات منطقه‌ای ایران مانند گروه‌های تکفیری

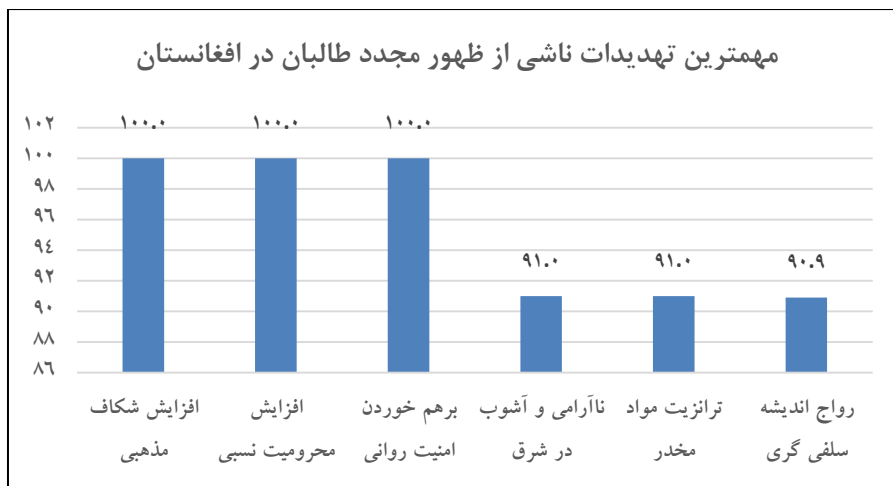
براساس شاخص‌های مورد انتظاری که در تحقیق به دست آمد نوبت به دریافت پاسخ این سوال است که: بیشترین درصد جواب‌های موافق با شاخص‌های موجود به کدام عناوین تعلق دارد؟ جدول بالا بیانگر این موضوع در پراکنش شاخص‌های احصائی است.

جدول ۴. نتایج

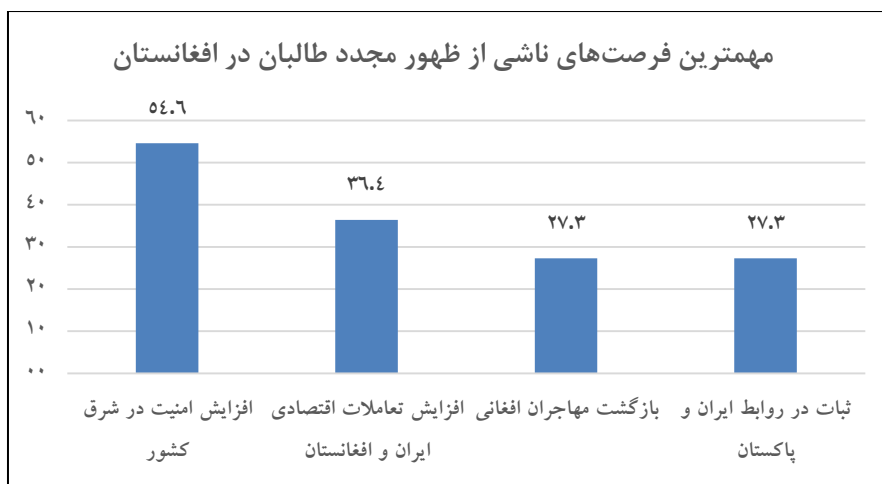
میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۳/۵۴۵	تعارضات اساسی بین ایران و افغانستان مانند حق‌آبه هیرمند و ...
۳/۶۳۶	امنیت مرزهای شرقی ج.ا.ا.
۳/۸۱۸	حضور کشورهای منطقه‌ای در افغانستان مانند ترکیه، چین، قطر، پاکستان، عربستان و ...
۴/۰۹۰	افراطی‌گری فرقه‌ای در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۴/۱۸۱	اندیشه سلفی‌گری در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۴/۱۸۱	شکل‌گیری و افزایش تحرکات گروه‌های معارض ج.ا.ا. در داخل افغانستان و پاکستان
۴/۱۸۱	وضعیت کشت خشخاش در افغانستان و تبعات امنیتی آن
۴/۲۷۲	شکاف‌های مذهبی در مناطق شرق ج.ا.ا.
۴/۲۷۲	مصائب ترانزیت مواد مخدر در ایران
۴/۲۷۲	مهاجرت پناهندگان افغانی به ایران
۴/۳۶۳	ناآرامی و آشوب در مناطق شرقی کشور
۴/۳۶۳	ثبات در روابط ایران و افغانستان
۴/۳۹۱	ثبات در روابط ایران و کشورهای منطقه از جمله قطر
۴/۴۵۴	وضعیت اندیشه سلفی‌گری در مناطق مرزی شرق ج.ا.ا.

میانگین	ظهور مجدد طالبان در افغانستان
۴/۷۲۷	امنیت روانی و فرهنگی در مناطق شرقی ج.ا.ا.
۵	اندیشه محرومیت نسبی در مناطق شرقی ج.ا.ا.

شاخص‌های مورد انتظار در تحقیق ناظر بر آن است که: بیشترین درصد جواب‌های در تکرار با شاخص‌های موجود به کدام عناوین تعلق دارد؟ محصول برآمده از این بررسی در عنوان اندیشه محرومیت نسبی و پس از آن سایر شاخص‌های مورد اشاره به‌عنوان تهدید و کمترین آن ایجاد ثبات در روابط ایران و پاکستان (کنترل بهتر گروه‌های سلفی در پاکستان) به‌عنوان فرصت طبق نمودار زیر متمرکز شده است.



نمودار ۱. مهم‌ترین تهدیدات ناشی از ظهور مجدد طالبان در افغانستان



نمودار ۲. مهم‌ترین فرصت‌های ناشی از ظهور مجدد طالبان در افغانستان

۵. نتیجه‌گیری

۱-۵. جمع‌بندی

براساس جامعه آماری ارائه‌شده در این مقاله و در پاسخ به سؤالات می‌توان گفت مهم‌ترین تهدیدهای ناشی از ظهور مجدد طالبان برای ایران، افزایش شکاف قومی- مذهبی و بروز ناامنی، افزایش احساس محرومیت نسبی و برهم خوردن امنیت روانی در شرق کشور است. مهم‌ترین عامل ایجاد این شرایط بر ایران ناشی از فقدان انسجام داخلی در افغانستان و ناتوانی طالبان در اعمال حاکمیت بر کل کشور و شکست در جذب گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرآیند دولت‌سازی و ملت‌سازی است که دامنه ناامنی حاصل از آن امنیت ایران را تحت‌تأثیر خود قرار خواهد داد. فرصت‌های ناشی از قدرت‌یابی مجدد طالبان را می‌توان رسیدن به اجماع در مبارزه با دشمن مشترک برای تقویت امنیت در مرزهای دو کشور، افزایش تعاملات اقتصادی با افغانستان و بازگشت مهاجران افغان به کشور خودشان نام برد. با این وجود قرائن و شواهد به‌دست‌آمده در طول چهار ماه گذشته مانند حمله به پنجشیر، انتصاب یک‌سویه پشتون‌ها در پست‌های کلیدی، اظهارات تند برخی از رهبران طالبان برای آینده منطقه و جهان اسلام و مواردی مانند آن ناظر بر این است که این جریان هم‌چنان بر مدار اندیشه قومی- مذهبی، بیشتر یک‌سونگری را در مرام خود دنبال کرده و به‌دنبال قلمروسازی،

روایت سازی و فضا سازی رادیکال در افغانستان است که این مهم با قرار گرفتن افرادی چون محمدحسن آخوند به‌عنوان رئیس الوزرا (وزیر امور خارجه دولت قبلی طالبان)، عبدالغنی برادر (رئیس شورای رهبری طالبان و مسئول دفتر سیاسی طالبان در قطر) به‌عنوان معاون نخست‌وزیر، محمد یعقوب (فرزند ملا عمر) به‌عنوان وزیر دفاع، سراج‌الدین حقانی (رئیس شبکه حقانی) به‌عنوان وزیر کشور، تمامیت‌خواهی گروه طالبان مشخص شده است.

اگر چه اختلاف‌نظرهایی در بین متفکرین در مورد طالبان وجود دارد و برخی آن را فرصت و برخی تهدید می‌دانند، با این وجود به‌نظر می‌رسد کفه سنگین تهدیدهای ناشی از حضور طالبان بیش از فرصت‌های این حضور است. با توجه به نتایج حاصله از تحقیق، گرایش‌های افراطی و ضدیت مرام و اندیشه طالبانی با شیعیان و روابط آن با جریان وابسته به عربستان سعودی به لحاظ سیاسی، مالی و ایدئولوژیک، سطح تهدیدات علیه ج.ا.ا را افزایش خواهد داد. از این جهت اعتقاد بر این است که به قدرت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان موجب ایجاد تهدیدات امنیتی برای ایران حتی در سطحی بیش از دوره اول خواهد شد. چرا که طالبان بیش از آنکه گروه باشد، یک جریان و تفکر است که با وجود نزدیکی‌ها و شباهت‌های ایدئولوژیک، دیدگاه‌های مختلفی درباره دولت، کنش‌گران خارجی و آینده افغانستان دارند. از این منظر طالبان اگر موفق به تشکیل دولت هم شود، به دلیل یک‌سونگری در قدرت و بی‌توجهی به خواسته ملت، در ردیف دولت‌های تندرو و در عین حال ضعیف به‌دلیل نداشتن پشتوانه مردمی قادر به کنترل فرآیندهای تهدیدزا و بی‌ثبات‌کننده درون مرزهای افغانستان نیست. ثمره این ناامنی موجب انتقال این تهدیدات به سطح منطقه و از جمله ایران شده و امنیت ملی ایران را به شدت تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

۲-۵. پیشنهادات

مهم‌ترین موارد برای مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌های ناشی از ظهور مجدد طالبان در تحولات منطقه شرق در موارد زیر می‌تواند مورد توجه قرار داد:

۱. توجه به حل مشکلات اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه مردم در شرق کشور.
۲. تدوین راهکار مقابله با اقدامات احتمالی ناشی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مردم مناطق شرق کشور از طالبان.

۳. ورود شورای عالی امنیت ملی کشور برای رسیدن به اجماع مشترک در مورد تحولات شرق کشور.
۴. آمادگی لازم نیروهای نظامی - امنیتی در شرق برای مقابله با هر گونه اقدام ایدایی.
۵. تقویت اقدامات اطلاعاتی در حوزه حریف توسط نهادهای ذی ربط.
۶. استفاده از ظرفیت‌های داخلی (با تأکید بر اهل سنت) برای تأمین امنیت کشور در شرق.
۷. رسیدن به توافق مشترک برای حذف داعش و گروه‌های وابسته به آن در شرق

منابع

- ابراهیم، فوآد (۱۳۹۵)، *نوستالوژی خلافت*، مترجمان میترا فرهادی و محمدرضا بلوردی‌زاده تهران، اندیشه‌سازان نور.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدی‌حاجیکلائی، حمید (۱۳۸۹)، *جریان‌شناسی چپ در ایران*، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی .
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۹)، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، مترجم شجاع احمدوند، تهران، نی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷)، *تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران*، تهران، سمت.
- بوالحسنی، خسرو و نوروزانی، شهرام و غلامعلیان، امیر (۱۳۹۶)، *عوامل داخلی تهدیدکننده امنیت جهان اسلام از سوی جریان‌های تکفیری*، فصل‌نامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۶۸، صفحات ۲۱۷-۲۴۰
- تراب، ابوالحسن (۱۳۹۸)، *پیامدهای سیاسی و اجتماعی حضور سلفیان در افغانستان*، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، صفحات ۷۹-۱۰۰
- سام دلیری، کاظم و داوند، محمد (۱۳۹۹)، *الگوهای رفتاری گروه تکفیری - تروریستی داعش در حوزه دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران تا ۱۴۰۴*، فصل‌نامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۶، صفحات ۳۳۷-۴۰۸
- ساره درودی، مصطفی (۱۳۹۵)، *ساخت گفتمانی داعش در بحران‌سازی*، در کتاب داعش حقیقی و حقیقت داعش، تهران، پژوهشکده قلم.
- عابدی، اکبر و همکاران (۱۳۹۵)، *آشنایی با جریان سلفی - تکفیری*، تهران، معاونت تربیت، آموزش و فرهنگ پاسداری سپاه.
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر .
- عنایت، حمید (۱۳۹۸)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، تهران، خوارزمی.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۸)، *جادوی گفتار*، تهران، آینده‌پژوهان

- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۵)، *سلفی‌گری معاصر*، قم، زمزم هدایت.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸)، *قدرت دانش مشروعیت*، تهران، نی.
- کوربن، هانری (۱۳۸۱)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، مترجم جواد طباطبایی، تهران، کویر.
- گار، تد رابرت (۱۳۹۶)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، تهران، پژوهش‌گاه مطالعات راهبردی.
- گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی در عمل و نظر*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- مزینانی، احمد (۱۳۹۵)، *کالبد شکافی جریان تکفیری*، تهران، دانشکده امام هادی.
- موتقی، احمد (۱۳۹۲)، *گونه‌شناسی جریان‌های فکری و جنبش‌های اسلام‌گرا در دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی*، نوشته محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، جلد اول، تهران، پژوهش‌گاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هوشنگی، حسین، پاکتچی، احمد (۱۳۹۰)، *بنیادگرایی سلفی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- Hunter, Shireen (2021), "How Iran may be impacted by Taliban rule", Available on site: <https://responsiblestatecraft.org>
- Gerges, Fawaz A (2021), "The Taliban Can't Control Afghanistan. That Should Worry the West", Available on site: <https://foreignpolicy.com>
- Felbab-Brown, Vanda (2021), "Will the Taliban regime survive?", Available on site: <https://www.brookings.edu>
- Los Angeles Times, (28 November 2014), Islamic State, rival Al Nusra Front each strengthen grip on Syria. latimes.com, Retrieved 12 July 2014.



The Re-Emergence of the Taliban and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Mostafa Saveh Davoudi *

The rapid re-emergence of the Taliban has led to differing views in political-security circles. The group's ethnic and ideological thinking and its previous actions in the 1990s led some local thinkers to see the re-emergence of the Taliban in 2021 as an opportunity and another faction as a threat to Iran. The purpose of this article is to enumerate the threats and opportunities for the Taliban to regain power over the national security of the Islamic Republic of Iran. The present study was conducted based on a mixed strategy and descriptive-analytical method using recording tools, interviews and a researcher-made questionnaire. The statistical population includes 130 experts in political science and national security of Tehran universities and the statistical sample is 97 people. The results of the interviews and theoretical foundations have led to the identification of 36 indicators of the re-emergence of the Taliban. After determining the validity, the questionnaire was reduced to 22 indicators. Cronbach's alpha coefficient value / 91. Obtained. After analyzing the data using the Friedman analysis of variance statistical test, the findings indicate that the re-empowerment of the Taliban due to the exponential impact on ethnic and ideological thought in the eastern regions of the country, the national security of the Islamic Republic of Iran. Finally, the possible restriction of the activities of Salafi-Takfiri groups in Pakistan, the terrorist group ISIS and its affiliates, including the Islamic State of Khorasan (Dakh), have been named as the most important security opportunities of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: *Iran, national security, threat, Taliban, opportunity.*

* Associate Professor, Farabi University of Science and Technology, Tehran, Iran